



# خانواده قرآنی در دیدگاه مقام معظم رهبری

گردآوری:

شایسته غلامعلی دهکردی

از مرکز تحقیقات

حیات طیبه اصفهان

## ● مقدمه

در این مقاله به موضوع خانواده‌ی قرآنی با کلید واژه‌هایی همچون [آزن رکن اساسی خانواده]، [آزن مربی و سازنده عواطف و اخلاق]، [اهمیت خانواده]، [عشق و محبت مبنای روابط زن مرد در خانواده]، [مسئولیت مهم همسران]، و [حسن تبعل و شوهرداری] پرداخته شده است، که از مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری با نگرش قرآنی گردآوری شده است.

## ● زن رکن اساسی خانواده

«خداوند متعال زمانی که انسان را آفرید تنها رهایش نکرد و برای آرامش و سکونتش جفتی نظیر خودش آفرید، تا این دو کنار هم به آرامش برسند و ادامه ی حیات نمایند. پس با شریک قرار دادن برای او کانونی را فراهم نمود که تشکیل شده بود از دو انسان زن و مرد تا به یکدیگر کمک نمایند و بتوانند هستی بخش انسان هایی دیگر باشند. پس این اجتماع کوچک را خانواده نامید و اولین اجتماع کوچک بوجود آمد و عنصر اصلی در خانواده را زن قرار داد؛ چرا که هر چند در خانواده و در تشکیل آن زن و مرد هر دو سهم اند اما آسایش فضای خانواده و آرامش و سکونی که در فضای خانواده است به برکت زن و طبیعت زنانه است و ما چه بخواهیم و چه نخواهیم این جنس زن است که باید جنبه لطف و آرامش و رحمت و سکون را در خانواده و جامعه تأمین کند.»

خداوند متعال گوهر زن را چنین آفریده است که هم خانواده و هم مرد به آن احتیاج دارند.

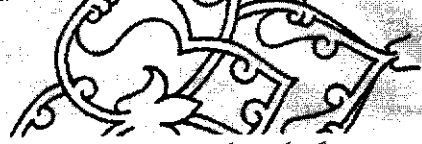
«رکن اساسی و رئیس حقیقی خانه زن است نه مرد. هر گاه در خانواده زن کنار رود، بعید است بتوان آن خانواده را حفظ نمود. هر گاه در خانواده مقام زن متزلزل شود، هیچ چیز آن خانواده در جای خودش قرار ندارد.»

«خداوند به هر یک از زن و مرد در خانواده سهم خاص و کمیت خاصی بخشیده نوع اثر بخشی زن در خانواده که همان تولید مثل و تکثیر آن است را از خصوصیت منحصر به فرد زن قرار داد و در این ارتباط مرد نقش کمتر و زن نقش بیشتر و طولانی تر را دارا است.»

«بنابراین در وجود زن عواطف و احساسات سرشاری قرار دارد تا مسوولیت بزرگی را به او واگذار نماید که مطابق با فطرت اوست و به واسطه ی آن وظایفی را در خانواده بر عهده اش نهاد که بسیار حساس و مهم است.»

وظایف او را در خانواده یکی تربیت فرزند، هدایت و تقویت روحی





شوهر و دیگر گرم نگه داشتن کانون خانواده قرار داد. چرا که کانون خانواده جایی است که باید در آن عواطف و احساسات وجود داشته باشد و رشد و بالندگی پیدا کند. عواطف و احساسات محتاج یک محور اصلی است که آن خانم خانه است و بدون آن، خانواده شکل بدون معنایی خواهد داشت.

### ● زن مربی و سازنده عواطف و اخلاق

«هنر زن این است که اگر به خانواده پایبند شد و علاقه نشان داد و به تربیت فرزند اهمیت داد و آنان را در آغوش خود شیر داد و بزرگ کرد، برای آنها آذوقه های فرهنگی؛ قصص، احکام، حکایت های قرآنی، ماجراهای آموزنده فراهم کرد و هر فرصتی به فرزندان خود مثل غذای جسمانی، غذاهای معنوی چشاند، انسان ها در جامعه بالنده و رشید خواهند شد. یکی از مهمترین سازندگی ها؛ سازندگی انسان است. نه فقط سازندگی جسم انسان بلکه سازندگی عواطف و اخلاق انسان و این بزرگترین و با ارزشترین کار زن است.»

«از مهمترین کارهای زنان تربیت فرزندان و نیز تقویت روحی شوهران، برای ورود در میدان های بزرگ است.»

### ● اهمیت خانواده:

« خداوند متعال قطره ای از محبت بی پایانش را ارزانی مادران کرد، تا فرزندان خود را در آغوش پر از مهر و محبت خود گیرند و با عواطف، توجه صحیح، با دل دادن و رعایت و دقت، آن چنان آنان را تربیت کنند که این موجود انسانی چه دختر و چه پسر وقتی که بزرگ شد و در جامعه پا نهاد، از لحاظ روحی یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس نلت، بدون بدعت ها و فلاکت ها و بلایایی که امروز نسل های جوان و نوجوان غربی در اروپا و آمریکا بدان گرفتارند بار آمده باشد. زنانی که به خاطر فعالیت های خارج از خانواده از آوردن فرزند استنکاف می کنند، برخلاف طبیعت بشری و زنانه ی خود اقدام



می‌کنند.»

«زن در خانواده در ارتباط با فرزندان از حق بیشتری بهره مند است، زیرا زحمت بیشتری را متحمل می‌شود و بر اساس عدل الهی ارزش حق بالاتری نیز به او تعلق دارد.»

«هر گاه زنان ما در اجتماع نیز بخواهند فعالیتی داشته باشند و نقشی ایفاء نمایند، باید در نظر داشته باشند که طبیعی‌ترین و فطری‌ترین کار برای آنها اول اداره کردن همسر و فرزندان است.» بنابراین در همه حال باید فعالیت‌ها و کارهای اجتماعی‌شان را با حفظ جنبه‌ی مادریشان بکنند؛ چرا که زن موجودی است که مایه اصلاح جامعه و پرورش انسان‌های والا است. «پس زنان در همه طرح‌هایی که در زندگی دارند باید خانواده مبنا باشد و سهم خانواده و خانه را در نظر گیرند.»

«پس هر گاه دریافتند که فعالیت‌های اجتماعی باعث ضربه خوردن به خانه و خانواده می‌شود، باید در مورد آن تجدید نظر نمایند. از این رو اگر زن بزرگترین متخصص پزشکی و یا هر رشته دیگر باشد، ولی زن خانه نباشد ناقص است.» «پس زن در نگاه نخستین، بزرگترین و اولین مسوولیت اداره‌ی کانون گرم خانواده را که آن را پایه تشکیل اجتماعی خودمان می‌دانیم بر عهده‌ی دارد که این بر عهده‌ی مرد نیست، چرا که از عهده این کار بر نمی‌آید.»

«زنانی که فرزند و تربیت فرزند و شیر دادن در آغوش پر از مهر و عطوفت خود، بزرگ کردن او با مهر و محبت را برای کارهایی که خیلی متوقف به وجود آنها هم نیست رها می‌کنند و خود را از چنین موهبت الهی محروم می‌کنند، اشتباه می‌کنند و با این کار هم به ضرر فرزندانشان هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده‌اند.»

«ارزش زن به این است که بتواند محیط زندگی خود را برای خود و برای مرد و فرزندان یک بهشت، یک مدرسه، یک محیط و یک جایگاه عروج به معارف معنوی و مقامات معنوی تبدیل کند و آن وقتی که وظیفه‌ی او ایجاب می‌کند، بتواند در سرنوشت جامعه، نقش ایفا کند و فرزند

و شوهر خود را با استفاده از جاذبه ای که خدای متعال در وجود آن گذاشته است، در آن راهی که مطلوب است سوق دهد.»

### ● عشق و محبت مبنای روابط زن و مرد در خانواده

خداوند ناز را در وجود زن و نیاز را در وجود مرد قرار داد. زن همیشه در گرو محبت مرد است و او را تکیه گاه خود می‌داند و مرد از اینکه تکیه گاه زن است و خود را حامی او می‌بیند، احساس بزرگی و قدرت می‌نماید.

«پس طبع و نیاز عاطفی و روحی زن این است که به یک شوهر با محبت، به یک تکیه گاه مطمئن عاطفی و روحی که شوهر و مرد اوست احتیاج دارد.»

«رابطه ی درست زن و مرد، رابطه مودت و رحمت است؛ رابطه ی دوستی، مهربانی، و به هم عشق ورزیدن.

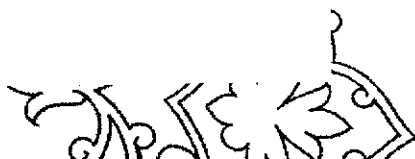
عشق ورزیدن همراه با خشونت مورد قبول نیست. مهربانی بدون محبت هم مورد قبول نیست» زن و مرد باید در محیط خانه به یکدیگر عشق بورزند و ابراز محبت نمایند تا فرزندان نیز در کانون خانواده، درس عشق ورزی و محبت را بیاموزند تا در آینده‌ای نزدیک با قلبی پر از مهر و محبت وارد جامعه شوند و بتوانند روابط عاطفی سالم با افراد جامعه برقرار نمایند. پس روابط زن و مرد روابطی است بسیار دقیق؛ چرا که خانواده یک مدرسه است که فرزندان خانواده که شاگردان این مدرسه‌اند از پدر و مادر خود که معلمان آنند الگو می‌گیرند.»

«لذا زن و مرد در محیط خانه نیز باید این را در نظر بگیرند و علاوه

بر ابراز مهر و محبت، با یکدیگر همکاری و همیاری داشته و در حل مسائل و مشکلات با هم همکاری نمایند تا فرزندان هم آن را فراگیرند و در سختی‌ها و مشکلات به یکدیگر کمک نمایند.»

«زن و مرد باید محیط خانه را به محیطی که در آن محل حل مشکلات،

رفع خستگی‌ها و محل آرامش برای تمام افراد خانواده است، تبدیل کنند.»



## ● مسؤولیت مهم همسران فعالان فرهنگی

«مبنای رابطه ی زن و مرد در خانه باید همکاری و همیاری باشد. خانم هایی که شوهرانشان فعالیت های اجتماعی و فرهنگی دارند باید در نظر داشته باشند که خداوند یکی از مهمترین و شریف ترین شغل های این روزگار را بر عهده ی آنها نهاده است، شغلی شرافتمندانه همراه با مسوولیت، همراه با خطر و زحمت بدون پاداش چندان قابل توجهه.

بنابراین کار این ها پیش خدا عزیز است. و همراهی و کمک به اینها افتخار است. این را با همین نیت باید دریافت، عمل نمود. با این نیت که مردی که همسر اوست، دوران جوانی خود را در راه خدا می گذراند، پس هر چه به او خدمت کند در راه خدا خدمت کرده است و این فقط با یک زندگی زناشویی ساده نیست، بلکه زندگی زناشویی میدان خدمت هم هست. بنابراین هم به اجر الهی امیدوار باید بود و هم قدر این فرصت را باید دانست»

«همسران مردهایی که وظایف خطیر را بر عهده دارند، قدر همسران خود را بدانند و به آنها افتخار کنند؛ چرا که اینها جزو بهترین مردمان امروز کشور ما هستند.»

«چرا که وقتی انسان می بیند جماعتی فقط به فکر منافع شخصی خودشانند و از هر راهی شد، دروغ، تقلب، تملق، حق و ناحق کردن، پیوستن به این جناح آن جناح، حرف زدن بر طبق میل دل یک آدم ناحق و با انواع و اقسام کلک ها می خواهند سودی را به سوی خود سرازیر کنند، در چنین فضایی وقتی مردی شغلی را انتخاب می کند که احساس می کند با آن شغل وظیفه ای را انجام می دهد، این شغل و این انسان هر دو شرافتمندند و بخصوص وقتی این وظیفه خطیر و دشوار هم باشد،

همسری این مرد افتخار دارد و قدر این مردها و این شغل ها و احیاناً این سختی ها را باید دانست و واقف بود آن چیزی که گرد وابستگی و غبار فرسودگی و ذلت را از چهره یک ملت پاک می کند و می سترد، بودن چنین مردانی در میان آن کشور و آن ملت است.»

## ● حسن تبعل

«هر تلاشی که یک مرد در میدان‌های مختلف انجام می‌دهد، به میزان زیادی مرهون همکاری؛ همراهی؛ صبر و سازگاری همسر اوست. همیشه این طور بوده است. در حدیث آمده است «جهاد المرأة حسن التبعل» حسن تبعل یعنی چه؟ عده‌ای خیال می‌کنند جهاد زن این است که فقط وسایل راحتی مرد را فراهم کند. حسن تبعل فقط این نیست، این جهاد نیست، جهاد این است که زنان مبارز، مؤمن و فداکار وقتی شوهرهایشان مسؤلیت‌های سنگینی دارند این سنگینی که به میزان زیادی روی دوش آنها می‌افتد را تحمل نمایند. هر گاه مرد در محیط خانه وارد می‌شود و اثر خستگی با بداخلاقی، با بی حوصله‌گی ناشی از محیط کار، به داخل خانه منعکس می‌شود، این زن اگر بخواهد جهاد کند، جهاد او این است که با این زحمت‌ها بسازد و آنها را برای خدا متحمل نماید. این زحمت ولو یک لحظه یک ساعتش را هیچ کس نفهمد، نزد خدای متعال اجر دارد.»

«مردم عادت کرده‌اند که خیال کنند زحمت چیزی است که انسان با بازو و بدن و جسم خود انجام می‌دهد، نمی‌دانند زحمات روحی و عاطفی گاهی سنگین‌تر است.»

«پس مردان که در جامعه وظایف سنگین و گاهی خطیر دارند، باید در نظر داشته باشند که اگر موفقیتی به دست می‌آورند، سهم همسرانشان در این موفقیتها چشمگیر است و اگر پیش خدا اجری داشته باشند، حداقل نصفش سهم همسرانشان است. چرا که کارهایی که آنان در جامعه انجام

می‌دهند، مورد توجه و در مقابل چشم‌های بندگان خداست و چون همه می‌بینند از آنان قدردانی و ستایش و تعریف می‌کنند ولیکن همسران آنها که با همراهی، محبت، وفاداری و رفاقت صمیمانه ای که با مردان خود داشته‌اند از این سهم بی نصیب هستند. بنابراین به همان اندازه که از چشم‌ها پوشیده است از اجرهای دنیوی و ظاهری هم بی بهره است، اما به همان اندازه اجر آنان پیش خدای متعال بیشتر و محفوظ است، چرا که خدای متعال در قرآن فرموده است: «لا یخفی علیه خافیة» هیچ چیز از او پوشیده نمی‌ماند و او ناظر اعمال همه‌ی انسانهاست. پس هر چه اعمال از چشمان بندگان پوشیده باشد، اجر آن در پیشگاه خداوند بیشتر خواهد بود»

